

پیشینه تأثیرات بر گنجینه الاسرار عمان

عبدالرضا نادری فر
کارشناس ارشد
زبان و ادب فارسی

نام او را در	(علیهماالسلام)	تمایلات عرفانی
صدر شاعران	داشته، و	عمان سامانی،
پارسی‌گوی دو	به‌ویژه	عشقی که به
سده‌ی اخیر،	بهره‌مندی از	خاندان پیامبر (ص)
که مرثیه‌ی اهل	رموز و لطایف	به‌ویژه علی
بیت‌گفته‌اند،	عرفانی در بیان	بن ابی‌طالب و
قرار داده است	مراثی کربلا،	حسین بن علی

چکیده

عمان سامانی از شاعران سده‌ی سیزدهم هجری قمری است که با نگاهی عارفانه به حادثه‌ی کربلا و شهادت حسین بن علی (ع) پرداخته و از این منظر، نامی شایسته در میان شاعران شیعی پارسی‌گو یافته است. به گواه کسانی که با آثار وی آشنایی دارند، مثنوی «گنجینه‌الاسرار» او در میان آثارش ارج‌مندی بیش‌تری دارد. نگارنده در این مقاله، ضمن بیان مقدمه‌ای در مورد تأثیرگذاری و تأثیرپذیری در حوزه‌ی نقد ادبی، نمونه‌ها و شیوه‌های تأثیرپذیری عمان سامانی را از آثار سعدی نشان داده است. بررسی شباهت‌ها در ترکیب، تضمین، مضمون‌سازی و شکل اثر، از سویی نشان‌گر توجه عمان به جوهر شعر در کنار مفهوم آن است و از سوی دیگر، گواه سیطره‌ی هنر سعدی تا سده‌های اخیر است.

کلید واژه‌ها:

عمان سامانی، سعدی، نقد ادبی، تأثیرگذاری و تأثیرپذیری.

مقدمه

میرزا نورالله عمان سامانی، شاعر سده‌ی سیزدهم هجری در سال ۱۲۵۹ هـ.ق. در سامان (روستایی در شمال غربی چهارمحال بختیاری) در خانواده‌ای اهل دانش و فضل متولد شد. آثار بازمانده از او عبارت‌اند از: گنجینه‌الاسرار (تاویل عارفانه‌ی قیام عاشورا)، معراج‌نامه (در توحید خالق هستی و منقبت پیامبر گرامی (ص) و حضرت علی (ع) و...)، مخزن‌الذکر (در شرح حال شاعران و عارفان چهارمحال بختیاری) و دیوان غزلیات و قصاید (کلاتری، ۱۳۸۱: ۵۱).

تمایلات عرفانی عمان سامانی، عشقی که به‌خاندان پیامبر (ص) - به‌ویژه علی بن ابی‌طالب و حسین بن علی (علیهماالسلام) داشته، و به‌ویژه بهره‌مندی از رموز و لطایف عرفانی در بیان مراثی کربلا، نام او را در صدر شاعران پارسی‌گوی دو سده‌ی اخیر، که مرثیه‌ی اهل بیت گفته‌اند، قرار داده است. مثنوی گنجینه‌الاسرار عمان، در سال ۱۳۰۵ قمری فراهم آمده است. این اثر مشتمل بر مقدمه و ۸۱۲ بیت است و بر تارک آن حدیث مشهور «کنز» نشسته و از پس آن، با تأویلی عارفانه سخن از تجلی نخست و دوم خداوند و «آیه‌ی امانت» به میان آمده است. در نگاه تاویل‌گرایانه‌ی عمان، انگیزه‌ی آفرینش «حسین» (ع) است و اوست که توبه‌ی آدم (ع) با شفاعتش پذیرفته است. نوح بدو از طوفان رست؛ آتش بدو بر ابراهیم سرد شد و خلاصه، آن راز سر به مهری که خداوند در روز آفرینش آدم بر ملائک نگشود و تنها از آن با تعبیر «إتی أعلم ما لا تعلمون» یاد کرد، «حسین» بود.

طرح مسئله

آن چه در نگاه نخست به شعر عَمَّان به چشم می‌خورد، غلبه‌ی معنی بر لفظ و صورت شعر است؛ با این همه، تأمل در زبان و سبک شعر عَمَّان، نشان از توجه وی به زبان و بیان شاعران بزرگ سبک عراقی، هم‌چون سعدی، مولانا و حافظ، دارد. رگه‌های تأثیرپذیری او از زبان و اندیشه‌ی دو اقیانوس بی‌کران شعر فارسی در دو قرن هفتم و هشتم هـ.ق. بسیار پیداست. بحری که عَمَّان برای مثنوی خود برگزیده، همان بحر «رمل مسدس محذوف» مولانا در مثنوی معنوی است و امواجی که از شعر او به سوی خواننده می‌آید، نیز از همان بحر بی‌کران مولوی است؛ ابیات آغازین این مثنوی یادآور نی‌نامه‌ی مولاناست:

کیست این پنهان مرا در جان و تن
کز زبان من همی گوید سخن
این که گوید از لب من راز کیست
بنگرید این صاحب آواز کیست
در من این سان خودنمایی می‌کند
ادّعی آشنایی می‌کند
کیست این گویا و شنوا در تنم
باورم یارب نیاید کاین منم
متصل تر با همه دوری به من
از نگه با چشم و از لب با سخن ...
(عمان سامانی، ۱۳۷۲: ۲۷)

تأثیرپذیری عمان سامانی از سعدی

مسئله‌ی تأثیر آثار ادبی بر دیگر آثار از مباحث مهم در نقد ادبی به شمار می‌رود. تحقیق در منابع الهام، منتقدان را به این نتیجه رسانده است که هیچ اثری از نظم و نثر نیست که به کلی ابداعی و بدون سابقه و مأخذ باشد (زرین کوب، ۱۳۸۰: ۱۵۰). اگرچه مسئله‌ی تقلید را در حوزه‌ی نقد ادبی، گونه‌ای از سرقات ادبی می‌دانند اما اگر این تقلید با نوآوری و تصرفی هنرمندانه باشد، شکلی ارزشمند به خود می‌گیرد و امکان درک و داوری بهتر دو اثر را برای خواننده‌ی منتقد به وجود می‌آورد. امروزه این مسئله تقریباً مورد قبول همه است که هیچ اثر هنری بدون تأثیرپذیری آگاهانه یا ناخودآگاه از آثار پیش از خود، به وجود نمی‌آید و اگر پیش‌تر این تأثیرپذیری را نشان آگاهی هنرمند از آثار قبلی می‌دانستند، امروزه بیش‌تر آن را از منظر آگاهی خواننده از این نقش‌پذیری و لذت وی از این دریافت می‌نگرند.

نام او را در	(علیهماالسلام)	تمایلات عرفانی
صدر شاعران	داشت. و	عَمَّان سامانی،
پارسی‌گوی دو	به‌ویژه	عشقی که به
سده‌ی اخیر،	بهره‌مندی از	خاندان پیامبر(ص)
که مرثیه‌ی اهل	رموز و لطایف	—به‌ویژه علی
بیت‌گفته‌اند،	عرفانی در بیان	بن ابی‌طالب و
قرار داده است	مراثی کربلا،	حسین بن علی

آنچه در نگاه نخست به شعر عَمّان به چشم می خورد، غلبه‌ی معنی بر لفظ و صورت شعر است؛ با این همه، تأمل در زبان و سبک شعر عمان، نشان از توجه وی به زبان و بیان شاعران بزرگ سبک عراقی، هم‌چون سعدی، مولانا و حافظ، دارد. رگه‌های تأثیرپذیری او از زبان و اندیشه‌ی دو اقیانوس بی‌کران شعر فارسی در دو قرن هفتم و هشتم ه.ق. بسیار پیداست

تأثیرپذیری شاعران دوره‌ی بازگشت ادبی از آثار برجسته‌ی دو سبک فخیم شعر فارسی - سبک خراسانی و سبک عراقی - و به‌ویژه تأثیری که عمان سامانی با تفاوت در موضوع از سبک اخیر و از جمله از سبک و شعر سعدی پذیرفته، از همین منظر قابل نقد و بررسی است. این نگاه شاعر به آثار سعدی را در دسته‌بندی زیر می‌توان نشان داد.

۱. ترکیب

برخی شباهت‌ها در تعبیر، ترکیب و تصویرسازی‌های عمان سامانی به چشم می‌خورد که ترکیب و تعبیرهای سعدی را به یاد خواننده می‌آورد. از آن جمله است:

- تو آینه به کف اندر محله‌ی کوران
ندا کنی که ببینید خویش را اندام (عمان سامانی، ۱۳۷۲: ۸۵)

... دریغ آمدم تربیت ستوران و آینه‌داری در محلت کوران.
(سعدی، ۱۳۶۹: ۹۰)

۲. تضمین

- بالله ار ننگری به جهان از سر نشاط
«ای نفس اگر به دیده‌ی تحقیق بنگری»
ور دانی آن که عزّت و ذلّت کدام راست
«درویشی اختیار کنی بر توان‌گری»
(عمان سامانی، ۱۳۷۲: ۸۸)

این تضمین در مطلع قصیده‌ای از سعدی چنین آمده است:

ای نفس اگر به دیده‌ی تحقیق بنگری
درویشی اختیار کنی بر توان‌گری (سعدی، ۱۳۶۹: ۷۵۳)

- ... شکر نعمت حضرت باری و موهبت‌های حق را
حق‌گزاری موقوف به اظهار داشتن و منوط به پرده نگذاشتن
است و دیگر بزرگان گفته‌اند:

فضل و هنر ضایع است تا نمایند
عود بر آتش نهند و مشک بسایند (عمان سامانی، ۱۳۷۲: ۲۶)

بیت مورد استشهاد عمان، بیتی است از سعدی که در ضمن حکایتی از باب سوم گلستان گفته است: «مشت‌زنی را حکایت کنند که از دهر مخالف به فغان آمده بود و خلق فراخش از دست تنگ به جان رسیده. شکایت پیش پدر برد و اجازت خواست که عزم سفر دارم، مگر به قوت بازو کفافی به دست آرم.

فضل و هنر ضایع است تا نمایند

عود بر آتش نهند و مشک بسایند (سعدی، ۱۳۷۷: ۱۲۰)

- افزون بر این بیتی که در مقدمه‌ی گنجینه‌الاسرار از سعدی آمده است، در ضمن این مثنوی نیز دو بیت دیگر از

سعدی به چشم می‌خورد:

همه‌جان خواهد از عشاق مشتاق
ندارد سنگ کم اندر ترازو (عمان سامانی، ۱۳۷۲: ۲۳)

چشم مسافر چو بر جمال تو افتد
عزم رحیلش بدل شود به اقامت (عمان سامانی، ۱۳۷۲: ۲۵)

این دو بیت عیناً در ضمن دو غزل از سعدی، به ترتیب در صفحات ۵۸۹ و ۴۶۳ از کلیات وی دیده می‌شود.

۳. شباهت‌های مضمونی

برخی شباهت‌ها میان مضامین عمان و سعدی به چشم می‌خورد؛ این شباهت‌های مضمونی نه از راه جست‌وجو در مضامین، بلکه تنها با ملاحظه‌ی شعر عمان، شعر سعدی را فرایاد می‌آورد. مضمون بازماندن جبریل از همراهی پیامبر در شب معراج، بی‌اعتنایی به بانگ بیهوده‌ی خروس سحرگهی، و بهره‌ی چشم کور از آینه‌ی اسکندر را در ابیات زیر بنگرید:

- دوش در معراج توصیفش براق فکر را
کش بود در پویه ننگ از نام صرصر داشتن
خوش همی راندم به تعجیلی که جبریل خرد
ماند اندر نیمه ره با آن همه پرداشتن

(عمان سامانی، ۱۳۷۲: ۸۱)

چنان گرم در تیه قربت براند
که در سدره جبریل ازو بازماند
... بگفتا فراتر مجالم نماند
بماندم که نیروی بالم نماند
اگر یک سر موفراتر پرم
فروغ تجلی بسوزد پرم

(سعدی، ۱۳۶۸: ۳۶)

- تا نغمه‌های چنگ شبانان به گوش ماست
کی اعتنا به بانگ خروس سحرگهی است

(عمان سامانی، ۱۳۷۲: ۱۰۴)

امشب مگر به وقت نمی‌خواند این خروس
عشاق بس نکرده هنوز از کنار و بوس
... لب بر لبی چو چشم خروس ابلهی بود
برداشتن به گفته‌ی بیهوده‌ی خروس

(سعدی، ۱۳۶۹: ۵۲۸)

۴. شکل

نشان دادن شباهت شکل دو اثر کار دشواری است؛ این موضوع را در دسته‌بندی زیر ببینید.

- شباهت در وزن و قافیه و ردیف

در انتهای گنجینه‌الاسرار، چند غزل و رباعی از عمان دیده می‌شود؛ در این میان غزلی است با مطلع:

ای که جز انکارت اندر کار صاحب کار نیست
گر به چشم عقل بینی هر گزت انکار نیست

(عمان سامانی، ۱۳۷۲: ۱۰۸)

سعدی نیز در آغاز غزلی گفته است:

ای که گفتمی هیچ مشکل چون فراق یار نیست
گر امید وصل باشد هم چنان دشوار نیست

(سعدی، ۱۳۶۹: ۴۵۴)

دیباچه‌ای که عمان بر مثنوی خود نگاشته، از دیباچه‌ی سعدی بر گلستان بسیار کوتاه‌تر است اما زبان و بیان سعدی را به یاد خواننده می‌آورد. از شباهت‌های موجود میان این دو مقدمه، آغاز این دو با تحمیدیه است:

عَمَان: معشوق مطلق را حمد و ستایش سزاست - جل جلاله - که تمام موجودات عاشق مقید اویند؛ همه راه او می‌پویند و وصل او می‌جویند و حمد او می‌گویند و این من شیءِ اِلا یسبِّح، بحمده. هر برگی از دفتر معرفتش آیتی است و هر گیاهی در بیدای وحدتش فراشته رایتی؛ با این همه عالمی متفکران‌اند و جهانی به دیده‌ی حیرت نگران. چه هر چه جهد بیش نمایند و پیش‌تر گرایند، منزل مقصود دورتر شود و دیده‌ی معرفت بی‌نورتر.

دردا که ما ز مقصد خود دورتر شدیم
نزدیک‌تر هر آن‌چه نهادیم گام را

(عمان سامانی، ۱۳۷۲: ۲۳)

سعدی: منت خدای را عزوجل که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت.

هر نفسی که فرو می‌رود ممد حیات است و چون برمی‌آید مفرح ذات. پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و به هر نعمتی شکری واجب.

إعملوا آل داوود شکراً و قلیل من عبادی الشکور.
بنده همان به که ز تقصیر خویش
عذر به درگاه خدای آورد
ورنه سزاوار خداوندی‌اش
کس نتواند که به جای آورد

(سعدی، ۱۳۷۷: ۴۹)

افزون بر هم‌سانی موضوع، نثر آمیخته به نظم، سجع‌پردازی در کلام، و تضمین آیه‌ای از قرآن، بی‌تردید تعبیر «هر برگی از دفتر معرفتش آیتی است» یادآور و برگرفته از این بیت مشهور سعدی است:

برگ درختان سبزر در نظر هوشیار
هر ورقش دفتری است معرفت کردگار

نیز عمان گفته است: دانایان این نشئه همه با حیرت نادانی خفتند، بلکه آنان «لولاک» شنیدندی جز «ما عرفناک» نگفتند؛ سبجانک لا تحصى ثناء علیک أنت کما أثبتت علی

فسک و فوق ما یقول القائلون. (عمان سامانی، ۱۳۷۲: ۲۴)

و از سعدی است که: عاکفان کعبه‌ی جلالش به تقصیر عبادت معترف که «ما عبدناک حق عبادتک»، واصفان حلیه‌ی جمالش به تحیر منسوب که «ما عرفناک حق معرفتک».

(سعدی، ۱۳۷۷: ۴۹)

نتیجه‌ی سخن

بررسی میزان تأثیر و تأثر شاعران از یک‌دیگر، از مباحث مهم در حوزه‌ی نقد ادبی به‌شمار می‌رود. این موضوع نه از منظر اقتباس یا بحث سرقات، بلکه از منظر آشنایی آنان از سیر و مسیر شعر قابل بررسی و نقد است. توجه عمان سامانی - که شعرش بر خوردار از رنگ و بویی عرفانی است - به مولوی و حافظ نکته‌ای شگفت‌نیست اما نگاه وی به قصاید، غزلیات، بوستان و گلستان سعدی، که کم‌تر وی را شاعری با تمایلات عرفانی برشمرده‌اند، نشان از گستره‌ی توجه عمان به شعر فارسی و به ویژه شعر سبک عراقی دارد.

منابع

۱. حافظ، شمس‌الدین محمد؛ دیوان حافظ (قزوینی - غنی)، با مجموعه تعلیقات و حواشی علامه محمد قزوینی، به اهتمام ع. جریزه‌دار، چاپ دوم، تهران، اساطیر، ۱۳۶۸.
۲. زرین کوب، عبدالحسین؛ آشنایی با نقد ادبی، سخن، تهران، ۱۳۸۰.
۳. سعدی شیرازی، مصلح‌ابن عبدالله؛ بوستان سعدی، تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی، چاپ سوم، انتشارات خوارزمی، تهران، مرداد ۱۳۶۸.
۴. کلیات سعدی، به اهتمام محمدعلی فروغی، چاپ هشتم، مؤسسه‌ی انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۹.
۵. گلستان سعدی، تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۷۷.
۶. عمان سامانی، میرزا نورالله؛ گنجینه‌الاسرار، به انضمام قصاید و معراج‌نامه، به اهتمام حسین بدرالدین، چاپ دوم، تهران، سنایی، ۱۳۸۲.
۷. گنجینه‌الاسرار، به کوشش فریدون حداد سامانی، چاپ دوم، ۱۳۷۲.
۸. کلانتری، ابراهیم؛ سلوک خوانین، شرح گنجینه‌الاسرار عمان سامانی، قم، نشر معارف، ۱۳۸۱.
۹. همایی، جلال‌الدین؛ فنون بلاغت و صناعات ادبی، چاپ پنجم، تهران، نشر هما، ۱۳۶۷.

توجه عمان
سامانی
- که شعرش
بر خوردار از
رنگ و بویی
عرفانی است -
به مولوی و
حافظ نکته‌ای
شگفت‌نیست
اما نگاه وی به
قصاید، غزلیات،
بوستان و
گلستان سعدی،
که کم‌تر وی
را شاعری با
تمایلات عرفانی
برشمرده‌اند،
نشان از
گستره‌ی توجه
عمان به شعر
فارسی و به
ویژه شعر سبک
عراقی دارد